

# گفتمانهای امنیت ملی در ج.ا.ایران

(از پیروزی انقلاب تا اتمام دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی)

سیدحسین ولی پور زرومی\*

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی یکی از مهمترین وقایع سیاسی - اجتماعی ایران در دوران معاصر می باشد. این انقلاب به لحاظ تأثیراتی که در عرصه های ملی، منطقه ای و جهانی داشته است، پدیده ای قابل توجه و تأمل می باشد، به گونه ای که طی سالهای پس از پیروزی انقلاب، ابعاد مختلف آن توجه صاحب نظران متعددی را به خود جلب کرده است. با این حال ملاحظات امنیت ملی ج.ا.ا. کمتر به صورت مجزا و اصولی، که بتواند کل دوران را در یک روند مشخصی مورد مطالعه قرار دهد، در بوته دقت قرار گرفته است. از این رو تا جایی که به این موضوع مربوط می شود، می توان این سؤالات را طرح کرد: عوامل تعیین کننده در ملاحظات امنیت ملی ج.ا.ا. کدامند؟ سیاست‌گذارهای امنیتی نظام در طول دو دهه پس از انقلاب از چه ماهیتی

\* کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به لحاظ تأثیراتی که در عرصه های ملی، منطقه ای و جهانی داشته یکی از مهمترین وقایع سیاسی - اجتماعی در دوران معاصر می باشد. در مقاله حاضر سعی شده است تا گفتمانهای حاکم در باب امنیت ملی جمهوری اسلامی از زمان پیروزی انقلاب تا کنون تحت عنوان سه گفتمان - بسط محور، گفتمان حفظ محور و گفتمان رشد محور - بررسی گردد.

گفتمان بسط محور به نظرگاههای انقلابیون و میانه روها می پردازد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مبارزه برای نجات میهن آغازگر گفتمان دیگری بود. جنگ برای پیگیری اهداف آرمانی نظام محدودیتهای فراوانی را پدید آورد و این شامل از جمله مواردی است که در گفتمان حفظ محور مورد بررسی شده و در اولویت بندی اهداف نظام مسأله حفظ نظام و تلاش برای امنیت فیزیکی کشور از اولویت اول برخوردار بوده است. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بازنگری در قانون اساسی و تمرکز قدرت در ریاست جمهوری همراه با انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری همگی از جمله عواملی می باشند که در سطح داخلی بر محتوای سیاست‌گذارهای نظام و چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری راجع به مسائل عمده کشور مؤثر بوده‌اند که در گفتمان رشد بدانها پرداخته شده است.

برخوردار بودند و چه تحولاتی پذیرفتند؟ و عوامل موثر در این تحولات کدامند؟ اما یک سؤال دیگر وجود دارد که بستر طرح هر چه صحیحتر سؤالات پیشین را فراهم می‌آورد و آن اینست که: گفتمانهای امنیت ملی کشور در طول این دوره چه روندهایی را طی کرده است؟ در مقاله حاضر سؤال اخیر مورد توجه قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر سعی خواهد شد تا گفتمانهای حاکم در مورد با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا به حال بررسی گردد.

بدیهی است هر نظام جدیدی، تحولات نوینی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جامعه پدید می‌آورد، ضمن این‌که مسائل مختلف نظام جدید نیز، در روند تاریخی استقرار آن ممکن است دستخوش تحول گردد. با این فرض گفتمانهای امنیت ملی در ج.ا.ا. تا به حال دارای تحولات مختلفی بوده است که در یک تقسیم‌بندی می‌توان از سه گفتمان مختلف در دوره حیات ج.ا.ا. یاد کرد. این گفتمانها که در دوره‌های خاصی حاکم بوده‌اند عبارتند از: (۱)

۱- گفتمان بسط محور.

۲- گفتمان حفظ محور.

۳- گفتمان رشد محور.

در ذیل تلاش خواهد شد تا هر یک از این گفتمانها به طور جداگانه به بحث کشیده شود.

## الف - گفتمان بسط محور

رهایی از فشارهای فیزیولوژیکی و درک نیازهای امنیتی - بیولوژیکی اولین قدم برای ایجاد دولت، در طول تاریخ بوده است. به عبارت دیگر، احساس این مسأله که انسانها به خودی خود نمی‌توانند تأمین‌کننده امنیت خود باشند و برای حل این مسأله نیاز به سازمان بزرگتری دارند، گامهای ابتدایی برای ایجاد دولت بوده‌اند. این مرحله که اندیشه‌گران مختلف از آن «به حوزه بهداشت» یا «ضرورت آزادی منفی» نام می‌برند اولین مرحله از سیر جدالی تحول انسانی می‌باشد. «بهدشگی» یا «اصالت آزادی مثبت» دومین مرحله از این تحول است. در این مرحله که ضروریات (حوزه بهداشت) حل شده است و پای اصالتها به میان کشیده می‌شود، شعاع فعالیت دولت ملی - مدنی از ضروریات که فقط در قالب دولت ملی قابل پیگیری است، فراتر رفته و به ورای مرزها

کشیده می شود. این گسترش حوزه فعالیت، ضرورتاً توأم با استثمار و بهره برداری از موقعیت استیلا جویی نیست، بلکه هدف اصلی اش غنابخشی به محیط است. در این مرحله استحکام فرهنگی ملی - مدنی توأم با انبساط تمدنی - جهانی است. (۲)

گفتمانهای مختلف امنیت ملی در ج.ا.ا را می توانیم با توجه به چارچوب مفهومی فوق بهتر دریابیم. برای درک بهتر این قضیه ذکر دو نکته ضروری می نماید:

اول - اهداف کلی نظام ج.ا.ا را آن گونه که در سیاست خارجی ما دنبال شده اند می توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک - اهداف ملی: آن دسته از اهدافی است که برای حفظ و تحقق منافع ملی کشور، مورد توجه می باشند از قبیل حفظ استقلال و تمامیت ارضی، امنیت و رفاه ملی، صلح و آسایش، رشد و توسعه اقتصادی...

دو - اهداف فراملی: اهدافی که با توجه به ایده آلها و باورها و ارزشهای حاکم بر جامعه با دیدی وسیعتر از تأمین منافع ملی، احساس رسالتی و رای مرزهای کشور دارند؛ به شکلی که اهداف و منافع ملی را تحت الشعاع منافع جهانی یا منطقه ای نظام قرار می دهند. مبارزه با استکبار جهانی و اسرائیل، حمایت از آرمانهای فلسطین، حمایت از جنبشها و نهضت‌های آزادیبخش در زمره این اهداف قرار دارند.

این تقسیم بندی می تواند ما را در شناخت بهتر مفاهیم امنیت ملی در ج.ا.ا یاری کند. به ویژه این تقسیم بندی را می توانیم به نوعی در همان قالب نظری یاد شده جای دهیم. به عبارت دیگر، اگر امنیت و رفاه ملی به اضافه سایر اهداف ملی را در زمره ضروریات یک جامعه یا حوزه بهداشت و اهداف فراملی نظام را در زمره اصالت‌های جامعه (حوزه بهداشتگی) قرار دهیم، می توان گفت که حوزه مباحث امنیتی (امنیت ملی) در ج.ا.ا تا به حال تحولاتی را پذیرفته است. البته این تحولات با توجه به ماهیت نظام که ذاتاً ایدئولوژیک است و چندان دچار دگرگونی نشده، کاملاً مشخص و قابل وضوح نیست، اما نمی توان از نفس تحولات ایجاد شده، چشم پوشید.

دوم - نکته قابل ذکر دیگر در بررسی گفتمانهای مختلف امنیت ملی در ج.ا.ا این است که نمی توان کاملاً به روشنی مرزهای این گفتمانها را نشان داد چه بسا که در دوره‌های مختلف دو نوع گفتمان کاملاً بر روی هم قرار دارند و ترکیب و تعامل این دو است که در سیاست‌گذاریهای نظام نمود پیدا می کند.

سالهای اول انقلاب، کشور صحنه تقابل میان دو گروه عمده حاکمیت یعنی "میانه روها" و "نیروهای حزب الله" بود، میانه روها، عمدتاً از ملی گرایان مذهبی بودند که در دولت موقت و نهادهای رسمی حکومت و بعداً ریاست جمهوری این دوره حضور داشتند. نیروهای حزب الله، همان مکتبیون مذهبی بودند که از لحاظ اعتقادات سیاسی، پیرو رهبری انقلاب، امام خمینی (ره) بودند. بررسی عملکرد و دیدگاههای این دو گروه بیانگر دو دیدگاه مختلف راجع به اکثر مباحث عمده سیاسی در سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب است. از جمله می توان از این طریق به تبیین فهم آنها از امنیت ملی نظام دست یافت. در این جا برای دسته بندی مشخص تر، قبل از پرداختن به گفتمان بسط محور - که محصول نگرش مکتبیون انقلابی نسبت به مسأله امنیت و منافع ملی نظام است و نهایتاً نیز همین برداشت حاکمیت یافت - به بررسی نظریات میانه روها در این خصوص می پردازیم. ضمن این که عملکرد دوران حاکمیت میانه روها خود بخشی ضروری از ملاحظات سیاسی ایران پس از انقلاب است و از این رو نیاز به توجه و تبیین دارد.

### ۱- میانه روها و اولویت امنیت ملی

میانه روهای ایران از نظر تاریخی طرفدار اجرای کامل قانون اساسی مشروطیت بودند و بیش از همه بر تغییرات کلی در ساختار حکومتی ایران تاکید می کردند. به عبارت ساده تر میانه روهای ایران در تعقیب اهداف کلی نظام، بیش از هر چیز به دنبال اهداف ملی کشور بودند و تعقیب اهداف فراملی اعلام شده نظام را (که به شدت به وسیله مکتبیون دنبال می شد)، برای امنیت ملی کشور نمی پسندیدند و حتی آن را تهدیدی برای انقلاب و نظام تلقی می کردند. امنیت ملی نظام در نزد میانه روها به اصلاح داخلی و حفظ بی طرفی در سیاست خارجی که تفسیر ویژه ای داشت وابسته بود. در صحنه داخلی، در نزد آنها با پیروزی انقلاب، انقلاب تمام شده بود و خواستار آن بودند که همه چیز به حال عادی برگردد تا دولت بتواند با کمال آسایش به رتق و فتق امور پردازد و خرابیهای به بار آمده را جبران سازد. برخلاف عملکرد انقلابیون، میانه روها معتقد بودند که چارچوب قانونی بهترین راه اصلاح نظام است نه تغییرات شدید انقلابی و به اصطلاح به سیاست گام به گام یا سنگر به سنگر اعتقاد داشتند. (۳) با اعتقاد به این استراتژی آنها مخالف عملکرد نهادهای انقلابی بودند و به نوعی با طرح مسائلی از قبیل

تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری و برخوردهای انتقامجویانه دادگاههای انقلاب به جای اجرای رأفت و گذشت اسلامی، مخالفت خود را اعلام می‌کردند. مهندس بازرگان نخست‌وزیر وقت دولت انقلابی در پیام تلویزیونی خود در ۵۷/۱۲/۹ درباره کمیته‌های انقلاب اسلامی که از جمله نهادهای انقلابی بود، می‌گوید: «کمیته‌های امام و گروه‌های افراطی خطری بزرگ در برابر دولت و انقلاب هستند». وی چند روز بعد عنوان می‌کند که باید اول سراغ کمیته‌ها برویم و دست و بال آنها را ببندیم (۴)

به این ترتیب پاکسازیهایی دوران انقلاب و عملکرد نهادهای انقلابی که عملاً طرفداران سیاست انقلابی آن را عوامل تأمین‌کننده امنیت نظام می‌دانستند، در نزد میانه‌روها به منزله عوامل به هم‌زننده نظم و امنیت در جامعه تلقی می‌شد. این اختلاف آشکار ریشه در بینش سیاسی دو گروه دارد که کاملاً با یکدیگر متفاوت است. میانه‌روهای ایران به رغم به‌ارث بردن دولت در فردای پس از پیروزی انقلاب مخالف صد درصد اعمال انقلابی بودند. نمونه آشکار این مسأله در قضیه حرکت ضد انقلاب در کردستان مشخص شد. سیاست دولت موقت در این باره ملایم و توأم با مسامحه بود و سعی می‌کرد با دادن امتیازاتی آنها را وادار به خودداری از تحریک و اختلال سازد. در این قضیه دولت موقت، راه حل برخورد نظامی را جایز نمی‌دانست و آن را به دلایل «خطر انسجام زودرس ارتش، سابقه تاریخی برخورد نظامی حکومت شاه با مردم کردستان که به حیثیت جمهوری اسلامی لطمه می‌زد و امکان توطئه مسلحانه و شورشگری درازمدت» مردود می‌دانست. (۵)

علاوه بر سیاست داخلی، میانه‌روها در سیاست خارجی نیز پیروی از اصول انقلابی را برای منافع ملی نظام جایز نمی‌دانستند اصول کلی مورد قبول آنها در سیاست خارجی بیانگر همان سیاست «موازنه منفی» است که قبلاً به وسیله دکتر مصدق در عمل پایه ریزی شده بود. طبق این سیاست، نظم کلی بین‌المللی حاکم از استحکام ویژه‌ای برخوردار است و درگیر شدن با آن مطابق مصالح و منافع ملی کشور نخواهد بود. در این چارچوب حداکثر تلاش دولت ملی باید بهره‌گیری از نظم موجود برای تأمین امنیت و منافع ملی خود باشد. از این رو موفق‌ترین سیاست، سیاستی خواهد بود که بتواند بدون آن‌که امتیازی به یک قدرت بزرگ (همانند آمریکا) بدهد، در جهت اهداف ملی خود حرکت کند با اعتقاد به این اصل بود که میانه‌روهای ایران مخالف طرح مسأله «استکبار

جهانی» بودند. این مسأله که در صدر برنامه‌های انقلابیون قرار گرفته بود، بر عکس در نزد میانه روها مخالف امنیت نظام تلقی می‌شد. مهدی بازرگان، در خصوص ماجرای اشغال سفارت آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام می‌گوید: «این عمل بسیار عمل زشت و خلافی است که این دانشجویان انجام می‌دهند و همه با این عمل مخالف هستند و عمل آنها ضد انقلاب، اسلام و امام و همه چیز است» او یک سال بعد، انزوای سیاسی ایران در جهان، محاصره اقتصادی، وقایع طیس را از تبعات این عمل ذکر می‌کند که خطرات بسیاری برای نظام آفرید. (۶)

میانه روها در مورد آمریکا که در نزد انقلابیون به «ام‌الفساد» معروف بود، به گونه‌ای دیگر فکر می‌کردند. به نظر آنها در افتادن با ابر قدرت آمریکا به هیچ وجه با مصالح نظام نمی‌ساخت و در واقع تهدید آشکاری بود که انقلاب می‌توانست برای خود دست و پا کند و به غلط آن را جزء منافع حیاتی خود بشمارد. بازرگان در این باره در خصوص حرکت‌های مردمی در قبال از پیروزی انقلاب می‌گوید:

«مبارزه با استیلای خارجی، به شهادت شعارهای راه پیمائیه‌ها و محتوای اعلامیه‌ها و مصاحبه‌ها، جنبه کاملاً دفاعی داشته و اعتراض به پشتیبانی آمریکا از شاه و سرسپردگی شاه به آمریکا می‌شد. آنچه مردم و رهبری انقلاب می‌خواستند کوتاه کردن دست جنایتکار و چپاولگر ابر قدرتها از دخالت در امور ایران و از سلب استقلالمان بود. ولی بعد از پیروزی گام فزاینده برداشته شد و شعار وادعای در افتادن با تمامی بیگانگان و نابودی امپریالیسم و پنجه در پنجه آمریکا انداختن در سطح جهانی، در برنامه انقلاب وارد گردید، چیزی که در مکتب مارکس، در سیاست خارجی شوروی و در مرام احزاب کمونیست بین‌الملل مقام شماره یک را دارد و امر حیاتی برای آنها محسوب می‌گردد.» (۷)

و به این ترتیب با شروع حملات تند انقلابیون علیه آمریکا در ایران، انقلاب در حقیقت ضد استبدادی و استقلال طلبانه ملی اسلامی ایران چهره سیاسی ضد امپریالیستی و آزادی بخش جهانی یافت. (۸)

دولت بازرگان و میانه روها علاوه بر مخالفت با روشهای انقلابی در قبال آمریکا حتی تداوم روابط مثبت با آمریکا را نیز برای تأمین منافع ملی نظام لازم می‌دانستند و در این جهت تلاش می‌کردند. آنها با اعتقاد به خارق‌العاده بودن قدرت آمریکا، و این که این کشور می‌تواند در برابر تهدیدات کمونیست‌های شوروی سابق نسبت به ایران بایستد، معتقد به حفظ و ادامه این ارتباط بودند و در عمل نیز در زمینه‌های نظامی و اطلاعاتی این ارتباط

را برقرار کردند. از جمله این که دولت موقت بنابه نوشته ویلیام سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران، با تعلیق هیأت مستشاری نظامی و خروج کلیه اعضای آن از ایران موافق نبوده و ادامه همکاری را برای حفظ کارآیی نیروهای مسلح ایران به خصوص نیروی هوایی ضروری می دانست. (۹)

مسئله دیگری که تا حد زیادی مفهوم امنیت نظام را از دیدگاه میانه روها مشخص می سازد، اصل صدور انقلاب است. این اصل به مثابه یکی از اصول سیاست خارجی به وسیله انقلابیون تبلیغ می شد. مخالفت میانه روها با این اصل کاملاً مشخص کننده مخالفت آنها با حوزه و حریم وسیع امنیتی در نزد انقلابیون می باشد. آنها با استناد به رویه ها و مقررات پذیرفته شده بین المللی، تأکید بر صدور انقلاب و حمایت از نهضت های آزادی بخش را مغایر اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها می دانستند.

توجه دولت موقت و میانه روهای نظام به اصل اهداف و منافع ملی به جای اهداف و منافع فراملی در تأمین امنیت ملی نظام ریشه در برداشت کلی آنها نسبت به حکومت و مملکت داری دارد. هر چند آنها تز حکومت دینی را با تفسیر خاص خودشان قبول داشتند، ولی حیطة عملکرد و تأثیرات آن را برای ایران محدود می کردند. شاید بهترین تعبیر را شخص بازرگان کرده باشد که این جمله مشهور را گفته بود: «بنده اسلام را برای ایران می خواهم و امام ایران را برای اسلام». این اعتقاد کلی باعث می شد تا ملی گرایی و توجه به منافع ملی برای میانه روها در اولویت قرار داشته باشد.

با شناختی که از نظریات میانه روها به دست آمد بهتر می توانیم به دیدگاه های انقلابیون که بیانگر دوره حاکمیت گفتمانی بسط محور در حوزه امنیت ملی ج.ا.ایران می باشد پردازیم.

## ۲- انقلابیون و تأکید بر امنیت فراملی

در کنار حاکمیت رسمی میانه روها در انقلاب ایران، نیروهای انقلابی در ابتدا با به دست گرفتن نهادهای انقلابی تازه تأسیس به ایفای نقش می پرداختند. در واقع مرام و عملکرد این گروه تعیین کننده اصلی جریان سیاست در فردای پس از انقلاب بود. حتی در زمان حاکمیت میانه روها، عملاً تأثیرگذاری انقلابیون بر روند سیاسی کشور بسیار بیشتر بود و نهایتاً هم توانستند تمامی قدرت را بدست بگیرند. اصول کلی مورد قبول

نیروهای انقلابی که به مکتبیون و یا حزب‌الله معروف بودند، برگرفته از افکار و رهبری انقلاب، امام خمینی (ره) بود. این اصول را می‌توانیم در این موارد خلاصه کنیم:

- ۱- اعتقاد به اصل ولایت فقیه.
- ۲- اصرار در حفظ اصول و معیارهای ایدئولوژی - عقیدتی پیش از آن‌که به پیروزیهای مقطعی پایبند باشند.
- ۳- قبول اسلام به منزله یک مکتب جامع و کامل که می‌تواند در هر زمان و مکانی اجرا گردد.
- ۴- اعتقاد و تکیه به اصل ایثار و شهادت در راه هدف که موجب می‌شود تا هیچ قدرت و نیروی قابل رقابت و برابری با آنها متصور نباشد و از هیچ قدرت مادی نهراسند.

۵- تبری از شرق و غرب و مبارزه با آنها تا نابودی استکبار.

تنها با استعانت از اصول کلی فوق می‌توان تفسیر انقلابیون از مفهوم امنیت ملی نظام را دریافت. قابل ذکر است که انقلابیون نیز همانند میانه‌روها با توجه به شرایط انقلابی حاکم در اوایل انقلاب استراتژی منظم و مشخصی راجع به امنیت نظام نداشتند. در واقع این شرایط مانع از تفکرو تعمق لازم برای طراحی دقیق استراتژی امنیتی کشور می‌شد. از این رو در این جا به ناچار می‌توان فقط از طریق اصول کلی مطرح شده انقلاب و عملکرد انقلابیون در آن زمان، به ماهیت ملاحظات امنیتی نظام دست یافت. به هر تقدیر با بازگشتی دوباره به نظر کلی عرضه شده در ابتدای این مقاله می‌توان این طور بیان کرد که انقلابیون ایران در این دوره، از سطح توجه به حوزه ضروریات که شامل امنیت اولیه نظام بود گذشته بودند و پای در حوزه اصالتها گذارده بودند و در این جا است که می‌توان به تفسیر بسیار وسیع امنیت در نزد آنها توجه کرد. به همین خاطر می‌توان از گفتمان بسط محور که حاصل دیدگاهها و عملکرد اولیه انقلابیون در ج.ا.ا است، سخن گفت. ماهیت مسائل مطروحه در این گفتمان با تفسیر خاصی که همان تفسیر انقلابی انقلابیون ایران است، ممکن بود در جهت تأمین امنیت نظام باشد. چه بسا در ذات خود و در نزد دیگران کاملاً برخلاف خط مشی استراتژیهای معمول امنیتی بوده باشد. این مسأله با توجه به چگونگی تفکر نسبت به امنیت نظام و شیوه‌های برخورد با آن که گروههای مختلف آن را مطرح می‌ساخته احتماً داشت متفاوت باشد. همان طوری که در بیان اصول کلی مورد



قبول انقلابیون مطرح شد، تفسیر این گروه از امنیت ملی نظام را باید با توجه به معیارهای ایدئولوژیک و اصول سیاسی مورد قبول آنها در نظر گرفت.

ورود معیارهای ایدئولوژیک به عرصه سیاست‌گذاری‌های نظام موجب تغییرات عمده‌ای در ملاحظات امنیتی ایران شد. در این دوره عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی که عامل تأمین کننده امنیت ملی یک کشور است، به تبعیت از این معیارها به شدت دچار تغییر شد. برای مثال در کنار توجه به موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران، قدرت نظامی، رشد و توسعه اقتصادی، همکاری‌های امنیتی رایج در دوران حاکمیت نظام دو قطبی، بهره‌گیری از موقعیت برتر ایران در حل مسائل و همکاری در سیاست خارجی (خصوصاً منطقه‌ای)، از عوامل ذهنی تر و کلی تری چون، توجه به قدرت معنوی مردم و اسلام، نفوذ در ملت‌های منطقه (در برابر دیپلماسی رسمی و برقراری روابط دو جانبه با دولتهای حاکم) حمایت از جنبشهای اسلامی، پشتیبانی و کمک به مستضعفین جهان به طور کلی اتخاذ سیاست عدم تعهد، مطرح می‌شوند. به این ترتیب حریم امنیتی ایران با این تفسیر جدید دارای ابعاد عمده‌تری فراملی و وسیع می‌گردد که صرفاً معطوف به منافع ملی - مادی نیست. البته این نکته را باید یادآور شد که از نظر انقلابیون پیگیری اهداف فوق کاملاً "مرتبط با منافع و امنیت ملی نظام ج.ا. و هماهنگ با آن بوده است و از این رو مشاهده می‌شود که پیوند دهنده امنیت ایران با امنیت کل جهان اسلام تفسیر می‌شود. (۱۱)

بر اساس معیارهای تحلیلی فوق، مسائلی چون سیاست عدم تعهد انقلابیون که در قالب شعار «نه شرقی و نه غربی» تبلور می‌یافت و گرایشهای ضد امپریالیستی و ضد استعماری به همراه شیوه‌های انقلابی، اصل صدور انقلاب و فراگیر شدن جهانی انقلاب اسلامی به منزله آرمان نهایی انقلاب، مبارزه با اسرائیل خاص، ارتجاع عرب و نفوذ سیاسی غرب به سرکردگی امریکا و حمایت شدید از مسلمانان جهان همگی در جهت استراتژی امنیتی نظام تلقی می‌شد.

علاوه بر در پیش گرفتن سیاست انقلابی در نظام بین الملل، در سیاست داخلی نیز روشهای انقلابی در جهت تأمین مصالح کلی انقلاب و نظام به کار گرفته می‌شد. پیروی از اصول عدم تعهد در نظام بین الملل، منجر به برداشتهای جدیدی در سیاستهای داخلی نیز شد. از جمله سیاست استقلال و خود اتکایی اقتصادی، بیشتر از هر چیز تابع این

مسأله بود. انقلابیون تازه وارد در عرصه رسمی سیاست، همانند سیاستمداران کشورهای دیگر جهان سوم، استقلال و خودبسایي اقتصادی را از مهمترین مراحل حفظ و ثبات نظام و قطع وابستگیهای ساختاری به جهان خارج که می توانست سرمنشاء هرگونه تهدید امنیتی باشد، تلقی می کردند. در جهت اصل استقلال اقتصادی، اصل مساوات و عدالت اجتماعی نیز مورد توجه خاص انقلابیون قرار داشت. پیروی از این اصول منجر به برپایی دولتی قدرتمند برای اجرای برنامه های اقتصادی شد.

البته ایجاد دولتی نیرومند و بر عهده گرفته (تقریباً کامل) بخش اقتصادی، تابع هدف کلی انقلاب که مسأله عدالت اجتماعی و حمایت از محرومین بخش عمده ای از آن بود، قرار داشت. به این ترتیب با عهده داری اقتصاد به وسیله دولت حداقل معیشت زندگی برای همگان بدون توجه به اصل توسعه اقتصادی، مهیا می شد.

قابل ذکر است که در جهت استراتژی انقلابی یاد شده انقلابیون عملاً "مخالف جدی نفوذ سرمایه خارجی به درون نظام بودند و آن را سرچشمه وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به حساب می آورند.

## ب - گفتمان حفظ محور

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عملاً "تأثیر دوگانه ای بر مفهوم امنیت ملی نظام گذاشت. از یک سو این جنگ و مبارزه برای نجات میهن کاملاً" با علائق مذهبی مردم در آمیخته شد و به این صورت بر ماهیت ایدئولوژیک نظام تأثیر عمیقی گذاشت و از سوی دیگر مقابله با تهاجمات نیروهای عراقی به ناچار ذهنیت انقلابیون را در مورد بسیاری از عناصر تشکیل دهنده قدرت که عوامل تأمین کننده امنیت تلقی می شوند، دچار تحول ساخت. به عبارت دیگر در طول جنگ مشخص شد که ضروریات جامعه (که امنیت فیزیکی نظام نیز جزء آن است) نیز باید همگام با اصلتهای آن مورد توجه قرار گیرند.

می توان گفت که جنگ برای پیگیری اهداف آرمانی نظام، محدودیتهای فراوانی پدید آورد؛ ولی نمی توان آن را عامل تغییر ماهیت نظام از جنبه ایدئولوژیک به جنبه های غیر ایدئولوژیک دانست. به طور کلی ج.ا.ا. در استراتژی جنگی خود نیز تابع اصول کلی انقلاب بود و طرح شعارهای مختلف در جنگ کاملاً برخاسته از اهداف آرمانی انقلاب

بود. بنابراین در این جا وقتی صحبت از گفتمان حفظ محور می شود، نباید این گونه تعبیر گردد که مسائل مطروحه در گفتمان بسط محور از ذهنیت نخبگان سیاسی ج.ا.ا خارج شده باشد، بلکه درست برعکس، سیاستهای ج.ا.ا در طول جنگ نشان از ماهیت کاملاً سیاسی و ایدئولوژیکی آن دارد و در عین حال به خاطر مسائل جنگی مجبور به رعایت بسیاری از مسائل مرتبط با امنیت فیزیکی نظام بود.

باید بر طرح گفتمان حفظ محور با نظر به تذکر یادشده توجه کرد. پیروی از اصول کلی انقلاب و در عین حال پذیرش بسیاری از محدودیتهای جنگی و در نتیجه تحول در برخی از مسائل امنیتی نظام، در کلیه سیاستگزاریهای نظام تبلور یافته بود. به این ترتیب تمایزی که می توان میان دودوره گفتمانی بسط محور و حفظ محور یافت، در این است که در دوره گفتمانی حفظ محور، نظام به دلیل روبرو شدن با یک تهدید کاملاً عینی و فیزیکی مجبور به قبول پاره ای از تحولات و سیاستهایی شد که بتواند به این مبارزه طلبی خارجی پاسخگو باشد، بدون آن که به اهداف آرمانی انقلاب در ذات خود ارزش کمتری داده شده باشد. بلکه چه بسا که بسیاری از این اهداف در این دوره به شدت پیگیری می شد. برای مثال کمکهای ج.ا.ا به گروه حزب الله لبنان تماماً در این دوره زمانی بوده و یا تلاش مسؤولان سیاسی و نظامی کشور برای تبدیل جنگ از حالت یک جنگ کلاسیک و ملی - میهنی به جنگ مردمی - عقیدتی، در این جهت بوده است.

اگر بخواهیم میان اهداف نظام در این زمان به نوعی اولویت بندی معتقد باشیم باید گفت که مسأله حفظ نظام و تلاش برای امنیت فیزیکی کشور در این دوره در اولویت قرار گرفته بود و تمامی مسائل نظامی در طول دوران هشت ساله جنگ تحمیلی تحت الشعاع آن داشت. طرح و تبیین تئوری "ام القری" در این دوره زمانی بوده است. توجه به ماهیت این تئوری نشان می دهد که برای حفظ ام القری نسبت به منافع کل بلاد اسلامی نوعی اولویت قائل است ولی با این وصف کاملاً با مضامین ایدئولوژیک عجین شده است «لب مطلب در تئوری ام القری این است که اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام القری و دارالاسلام شد، به نحوی که شکست یا پیروزی آن شکست و پیروزی کل اسلام به حساب بیاید، در آن صورت حفظ ام القری بر هر امری دیگر ترجیح می یابد. حتی در صورت لزوم احکام اولیه را تعطیل می نمایم و قس علی هذا» (۱۳)

به اعتقاد آقای محمد جواد لاریجانی اگر میان مصالح حکومت ام القری و ولایت جهان

اسلام تعارضی دیده شود، همواره مصالح امت اولویت دارد، مگر هستی ام‌القری که حفظ آن بر همه امت واجب است. (۱۴) به اعتقاد وی، امروز، ایران ام‌القری دارالاسلام است. پیروزی و یا شکست ایران پیروزی و شکست اسلام است. از این رو رسالت دینی و مسؤولیت اسلامی اقتضاء می‌کند که ایران را بعنوان ام‌القرای جهان اسلام حفظ نماییم. (۱۵) در این تئوری دفاع از ایران بعنوان ام‌القرای جهان اسلام، وظیفه همه امت اسلامی است. نباید برنامه آماده سازی و سازماندهی نیروها را به مردم ایران محصور نمود، بلکه باید برای استفاده از تمام آحاد ملت در سرتاسر بلاد اسلامی طرح و برنامه و اقدامات لازمه را انجام داد. (۱۶)

تئوری فوق در واقع راهنمای سیاستهای ج.ا.ا در طول جنگ تحمیلی بود. سیاستها در عین حال که موضوع حفظ نظام و کشور را مورد لحاظ قرار می‌دادند. در جهت اصول آرمانی انقلاب که در ورای مرزهای ملی مطرح بود، حرکت می‌کردند. در هر حال تأکیدات امام (ره) و سایر مسؤولان در این زمان حاکی از اهمیت بالای حفظ نظام در این دوره است. امام (ره) می‌گفتند: امروز جنگ در رأس امور قرار دارد و یا این که: حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از اهم واجبات است به این طریق بود که ایشان خواستار حضور گسترده مردم در صحنه‌های انقلاب و جنگ می‌شد. سیاستگزاربهای نظام نیز به نوعی تابع اصل کلی جنگ بود. از جنبه‌های امنیتی قابل ملاحظه در این دوره می‌توان به دو موضوع ذیل اشاره کرد:

### ۱ - جنگ و انقباض سیاسی

بروز تهدیدات امنیت ملی از ناحیه عوامل بیرونی می‌تواند زمینه‌های انقباض سیاسی رژیمهای ملی را فراهم آورد. حتی در رژیمهای دموکراتیک نیز این وضعیت ممکن است اتفاق بیفتد. محدودیت آزادی سیاسی در زمان جنگ جهانی دوم در انگلیس زیانزد است. معمولاً در زمانهای بحرانی، نقش ظرفیت دستگاه دولتی برای نیل به تصمیمات برق آسا و مناسب بسیار مهم می‌باشد. (۱۷) این مقصود در سایه انحصارگرایی سیاسی و تصمیم‌گیربهای انفرادی و یا گروهی محدود بیشتر قابل دستیابی خواهد بود. به خصوص که تطویل در تصمیم‌گیربها به دلیل تعدد این مراکز در زمانهای بحرانی و جنگی چه بسا که عواقب مهم امنیتی برای دولتها به دنبال داشته باشد. تجربه جنگ تحمیلی نشان داد که

جامعه ایران می‌تواند در سایه یک تهدید بیرونی به سمت و سوی تمرکز بیشتر و انقباض سیاسی حرکت کند.

تاریخ انقلاب نشان می‌دهد که در واقع در زمان آغاز جنگ، میانه‌روها هنوز بسیاری از مناصب سیاسی را در اختیار داشتند و به نوعی هنوز تقسیم قدرت میان دو گروه عمده حکومتی جریان داشت؛ ولی بروز جنگ تحمیلی بر روند خروج میانه‌روها از گردونه قدرت در ج.ا. بسیار تأثیر گذاشت و آن را شتاب بخشید. اصلی‌ترین عاملی که موجبات عزل بنی‌صدر را فراهم آورد، همین عامل جنگ بود. تضادی که در کشور، بین میانه‌روها و انقلابیون وجود داشت، یکی از مهمترین عوامل تضعیف موقعیت رزمندگان ایرانی در اوایل جنگ تحمیلی بود و موجبات شکستهای پی‌درپی و از دست دادن اراضی وسیعی از کشور را فراهم آورده بود (۱۸). با عزل بنی‌صدر روند یک‌دست‌سازی نیروهای رزمنده تشدید گردید و در پی آن، عوامل پیروزی رزمندگان ایران تقویت گشت.

## ۲ - جنگ و بسیج عمومی

بسیج عمومی در دوران جنگ تحمیلی نمایانگر تلاش همه جانبه دولت و مردم برای حفظ نظام و آرمانهای انقلاب از تهدیدات خارجی بود. حضور گسترده مردم در مراحل مختلف جنگ می‌تواند همچون یکی از مهمترین عوامل بازدارندگی عراق از پیشرویهای سریع در خاک ایران مطرح گردد. به هر تقدیر بسیج مردمی کانون محوری و مولد استراتژی دفاعی ج.ا. در طول جنگ بود (۱۹). جنگ تحمیلی فرصتی شد تا رهبران سیاسی ایران از میزان توان بالای این مؤلفه امنیتی (یعنی بسیج عمومی) آگاه شوند.

به همین خاطر است که مشاهده می‌شود رهبران نظام با بهره‌گیری از انگیزشهای ایدئولوژیکی دفاع را بر مبنای مذهبی تفسیر می‌کردند نه مسأله‌ای کاملاً ملی. تجلی جنگ تحمیلی همچون راهی برای امحاء انقلاب به دست دشمنان، مطرح کردن جنگ فقر و غنا، بهره‌گیری از اسما مذهب در طول جنگ و عملیاتها، تأکید بر عاشورا و جنگیدن و عمل به تکلیف شهادت طلبی و ایمان، گرم نگهداشتن تنور عدالت طلبی و سرمایه‌داری ستیزی به وسیله امام (ره)، و ترجیح دادن مصلحت و منفعت مستضعفان و رزمندگان بر همه، مطرح کردن الگوپذیری و اسوه‌پذیری از ائمه اطهار و همچنین سمبلیایی چون حسین فهمیده، شهید همت و... از عوامل مؤثر در انگیزش مشارکت و

مردم و بسیجیان در جبهه‌های جنگ بود. (۲۰) می‌توان گفت توانایی انقلاب و رهبری آن در بهره‌گیری از این عوامل برای انسجام ملت در جهت پیروی از اصول انقلاب و مقابله با تهدیدات خارجی بسیار زیاد بوده‌است و شاید بتوان گفت در پرتو این عوامل نظام اسلامی در دهه اول انقلاب بیمه شده بود.

### ج - گفتمان رشد محور

پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بازنگری در قانون اساسی و تمرکز قدرت در ریاست جمهوری همراه با انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، همگی از جمله عواملی بودند که در سطح داخلی بر محتوای سیاست‌گذاری‌های نظام و چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری راجع به مسائل عمده کشور مؤثر بوده‌اند. در واقع این عوامل نقطه عطفی در تاریخ چندین ساله استقرار ج.ا.ا به حساب می‌آیند. به‌طور کلی در مورد ملاحظات امنیتی نظام، این عوامل گفتمان‌های امنیتی گذشته را دچار تحول ساخت به گونه‌ای که شاهد تغییر امنیت ملی ج.ا.ا در پرتو مؤلفه‌های تازه‌ای که عمدتاً اقتصادی هستند، می‌باشیم. ترمیم خسارات جنگ تحمیلی، اولویت امنیت اقتصادی، محوریت رشد و توسعه اقتصادی و استوار ساختن توانایی‌های ملی، از جمله مسائلی است که در دوران جدید مورد تأکید دولت و جامعه ایران بوده است. تأکید بر مسائل فوق که می‌توان آنها را تحت عنوان "گفتمان رشد محور" نام برد، نشان از اهمیت بالای مسائل اقتصادی در دوران پس از جنگ تحمیلی در تأمین امنیت ملی کشور دارد. مشخصات دوره گفتمانی رشد محور در ملاحظات امنیت ملی ج.ا.ا تحت دو عنوان زیر بررسی می‌گردد:

#### ۱ - ترمیم خسارات جنگ تحمیلی

با پایان یافتن جنگ تحمیلی مسائل مربوط به سیاست‌های بازسازی در رأس تمامی فعالیت‌های دولت قرار گرفت. آقای هاشمی رفسنجانی ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در ۶۸/۳/۱۸ گفته بود:

«من فکر می‌کنم یکی از کارهای لازم این است که بعد از مشکلات ایجاد شده از جنگ ما باید به زندگی مردم بپردازیم و اقدام به رونق اقتصادی کشور بکنیم و این جزو بزرگترین برنامه‌های ماست» (۲۱)

در این جمله روشن است که ترمیم خسارات ناشی از جنگ در اولویت اول قرار دارد و پس از آن مسائل مربوط به رونق و رفاه اقتصادی مطرح می‌گردد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، که به همراه خود سیاسی شدن کامل بازار نفت و در نتیجه نوسانات بسیار شدید آن را در پی داشت تأثیرات بسیار بدی بر اقتصاد ایران نهاد. کاهش مستقیم تولید، ویرانیهای سنگین در بخشهای مختلف اقتصادی و خدماتی کشور، نابودی نیروی انسانی و منابع محدود ارزی، رشد سریع جمعیت، کسری بودجه فراوان، وجود تعداد زیادی از آوارگان عراقی در ایران (به همراه آوارگان افغان) و... از جمله خسارات ناشی از جنگ تحمیلی می‌باشد. در طی این دوره سهم هزینه‌های سرمایه‌ای از تولید ناخالص داخلی از ۱۵/۶٪ در سال ۱۳۵۶ به ۳/۱٪ در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. جنگ و افت درآمدهای نفتی و همچنین احساس عدم اطمینان عمیق سیاسی که مانع تخصیص سرمایه برای طرحهای دراز مدت می‌شد، از جمله عوامل این وضعیت بود. همچنین کسری بودجه دولت با وجود حجم نسبتاً محدود هزینه‌ها به سرعت از ۴۸۵ میلیارد ریال در ۱۳۵۶ به ۲۱۲۵/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ افزایش یافت. در این دوره به خاطر افت شتابان تولید ناخالص داخلی و واقعی همراه با جمعیتی به سرعت در حال افزایش، تولید ناخالص واقعی سرانه از ۱۴۴ هزار ریال در ۱۳۵۶ به ۶۳/۷ هزار ریال در ۱۳۶۷ کاهش یافت (۲۲)

در یک منبع دیگر تلفات خسارات ناشی از جنگ تحمیلی برای مجموع دو کشور ایران و عراق این گونه بر آورده شده است:

- تلفات انسانی جنگ ایران و عراق = ۳۰۰۰۰۰ نفر

- ارزش تقریبی خسارات وارده به دو طرف = ۳۰۰ میلیارد دلار

- انتقال و جابه‌جایی تقریبی جمعیت = یک میلیون نفر (۲۳)

اما در گزارش نهایی سازمان برنامه و بودجه راجع به خسارات جنگ تحمیلی، خسارات مستقیم کشور ۳۰۸۱۱ میلیارد ریال و خسارات غیر مستقیم معادل ۳۴۹۴۲ میلیارد ریال که در مجموع ۶۵۳۵۳ میلیارد ریال می‌شود، بر آورده شده است (۲۴) این رقم را اگر به دلار محاسبه کنیم به رقم نجومی یک هزار میلیارد دلار بالغ می‌شود. آقای هاشمی رفسنجانی چند سال بعد از اتمام جنگ در باره وضعیت وخیم اقتصادی کشور در آن زمان می‌گوید:

«در جریان جنگ وضع اقتصادی ایران به زیر خط قرمز رسید. مجبور شدیم دوازده میلیارد دلار وام خارجی بگیریم، مع الوصف وضع اقتصادی بسیار بد شد.» (۲۵)

به همین خاطر است که شاهد آنیم آقای رفسنجانی عهده دار سیاست کلان تازه‌ای در کشور می‌شوند و مسأله رشد و توسعه اقتصادی محور اصلی سیاست‌گذاران می‌گردد. در همین باره چه بسا اقتضائات فراوانی ایجاب می‌کرد که از همکاریهای خارجی بهره‌گرفت. با این رویکرد، بازسازی کشور از اهم توجهات دولت در دوران جدید قرار گرفت. در کتاب «نظام طرح ریزی استراتژیکی، برنامه ریزی و بودجه بندی دفاعی» که بلافاصله پس از اتمام جنگ به وسیله سازمان برنامه و بودجه تدوین و منتشر شد، می‌خوانیم:

«اکنون که جنگی تمام عیار را پشت سر نهاده‌ایم در شرایطی قرار داریم که علاوه بر تقویت بنیه دفاعی، بازسازی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی کشور اجتناب ناپذیر است. لازم است با نگرش عمیق و دیدگاهی مبتنی بر دوراندیشی تهدیدها را بشناسیم و تمام تلاش خود را در جهت کاستن از آنها و در صورت وقوع به حداقل رسانیدن خسارات به کار گیریم. زیرا در غیر این صورت سهم هنگفتی از منابع کمیاب اقتصادی کشور را که عمدتاً از محل استحصال منابع فسیلی تجدید ناشدنی تأمین می‌گردد، بی‌هیچ نتیجه سودمندی به نابودی خواهیم سپرد.» (۲۶)

## ۲- استوار ساختن توانمندیهای ملی

رویکرد جدید دولت ج.ا.ا که از بعد از تحولات آخر دهه ۱۳۶۰ شروع شد بر استوار ساختن توانمندیهای ملی و دادن الگویی مناسب از ج.ا.ا متکی می‌باشد. در واقع مفهوم «ام القرای» اسلامی در این جا معنای واقعی پیدا می‌کند. بدین صورت که در این گفتمان هستی‌ام‌القری نه تنها باید از تهدیدات امنیتی حفظ گردد بلکه این هستی آن قدر باید تقویت و توانمند شود که به خودی خود قابلیت الگوپذیری برای دیگران (جهان اسلام) پیدا کند، توفیق ج.ا.ا در سیاست‌گذاران ملی - اسلامی خود می‌تواند هم زمینه‌های صدور معنوی انقلاب را از طریق جاذبه‌های عینی فراهم آورد و هم در برابر تهدیدات متعدد داخلی و خارجی پاسخگو باشد.

در هر حال، در این دوره می‌توان صحبتها و رفتار سیاسی آقای هاشمی رفسنجانی را نماینده گفتمان جدید، که مبتنی بر رشد و توسعه ملی است، تلقی کرد. دوران ریاست



جمهوری آقای هاشمی دوران سازندگی و حرکت نظام به سمت و سوی رشد و توسعه اقتصادی برای تأمین منافع و امنیت ملی لقب گرفت و در این اواخر لقب " سردار سازندگی " به وی داده شد. این مسأله بیانگر رویکرد جدید جامعه و دولت در سیاست‌گذاریهای نظام است. شاید در کمتر سخنرانی و یا مصاحبه‌ای از آقای هاشمی، به مسأله توسعه کشور، تأکید و توجه نشده باشد. افکار عمومی نیز در این دوره بیش از هر چیز برای ضروریات و عینیات زندگی حساسیت نشان می‌دهد. در واقع تأمین و توجه به این حساسیتها پایه اول عموم سیاست‌گذاریهای نظام بوده است. البته در این جا بحث بر سر توفیق، ضعف و یا شکست رویکردهای جدید در توسعه ملی نیست، هدف نشان دادن اهمیت این مسأله در دوره گفتمانی جدید است. چرا که شاید به دلیل عوامل مختلف بسیاری از کارکردهای دولت نتوانسته باشد انتظارات اولیه را برآورده سازد. چنان‌که بسیاری از محققان بر این نکات انگشت می‌گذارند. برای مثال تشدید تورم در نتیجه سیاستهای جدید، ناتوانی دولت در کاهش چشمگیر رشد جمعیت، بالا آوردن میزان بالایی از بدهیهای خارجی، تشدید بیکاری و عمیق تر شدن شکافهای طبقاتی و... از جمله نکاتی است که به آن معمولاً در بررسیهای سیاستهای دولتی اشاره می‌شود (۲۷)، خلاصه کلام آن‌که مقوله امنیت ملی ج.ا. مؤلفه‌های جدیدی پیدا می‌کند و شاهد غنی تر شدن این مفهوم در جهان عصر حاضر می‌باشیم، مسئولان نظام در این دوره جدید پذیرفتند که در این دنیای پرقابیت باید از پتانسیلهای اقتصادی چشمگیری که در کشور وجود دارد بهره گرفت. بازار ۶۰ تا ۷۰ میلیونی داخلی، ذخایر عظیم نفت و گاز، منابع معدنی، نیروی انسانی جوان و موقعیت خاص جغرافیایی می‌توانند در طرحهای امنیتی جدید و در برابر رقیبان، مورد استفاده قرار گیرند (۲۸) در واقع در گفتمان جدید بازسازی و رونق اقتصادی پیام آور عدالت اجتماعی است عدالت اجتماعی به منزله یکی از اهداف اولیه انقلاب در سایه این مسأله تحقق پیدا خواهد کرد. به گفته رهبر انقلاب، آیت الله خامنه‌ای:

«شکوفایی اقتصادی را باید مقدمه رسیدن به هدف انقلابی عدالت اجتماعی قرارداد که با همه قدرت بایستی برای حصول آن کوشید» (۲۹).

با توجه به محوریت یافتن مسأله توسعه در گفتمان جدید دولت سعی در بهره‌گیری از تواناییهای بالفعل و بالقوه موجود برای پیشبرد آن دارد.

با عنایت به این‌که در این دوره شعار اصلی دولت "تولید" عنوان می‌گردد (۳۰)، خصوصی سازی به مثابه مهم‌ترین هدف برنامه‌های توسعه پیگیری می‌شود. دریافت وامها و سرمایه‌گذاریهای خارجی نیز به مانند قبل چونان اهرمهای وابستگی توجیه و تفسیر نمی‌گردد. علاوه بر دریافت وام از خارج، تقاضای رییس جمهور از نیروهای انسانی که کشور را ترک کرده‌اند برای بازگشت و تقبل مسؤلیت از جانب آنان جهت بازسازی کشور، در اولویت دستور کار دولت قرار گرفت. آقای هاشمی رفسنجانی در این باره می‌گوید: آنها که خارج از کشور هستند بر ایشان مانعی وجود ندارد و می‌توانند به کشور بازگردند. (۳۱) وی برای دادن اطمینان خاطر به آنها ادامه می‌دهد: من قاطعانه می‌گویم سیاست جمهوری اسلامی ایران این نیست که کسی را به خاطر اظهار نظر و مخالفت سیاسی مورد تعقیب قرار دهد. (۳۲) وی در مورد تضمین سرمایه نیز می‌گوید:

«دولت تمامی ابزار تضمین را در اختیار دارد و ما امکانات انتظامی، قوه قضائیه و برنامه‌های سیاسی را پشتوانه این تضمین اعلام می‌کنیم، سرمایه‌گذاران امنیت دارند و هر چه از جنگ فاصله بگیریم این امنیت تقویت خواهد شد.» (۳۱)

بدین ترتیب در دوره سازندگی ما شاهد شکل‌گیری گفتمان جدیدی از امنیت ملی می‌باشیم که در آن ایده‌آلهای اولیه اسلامی به شکلی تازه طرح می‌گردند. این گفتمان همسو با گفتمانهای سابق سعی می‌کند تا به نحوی زمینه حفظ جمهوری اسلامی ایران را در دنیای کنونی فراهم آورد و به همین خاطر است که آقای هاشمی رفسنجانی در یک جمله نمادین می‌گوید: باید از کارخانجات بعنوان سنگر مقدم مبارزه با دشمنان انقلاب بهره جست (۳۲).

با روی کار آمدن جناب آقای خاتمی این‌گونه به نظر می‌رسد که گفتمان امنیتی تازه‌ای در حال شکل گرفتن است که ترسیم خطوط کلی آن محتاج گذشت زمان و پژوهشهای تحقیقاتی مفصل دیگری در آینده است.

## یادداشتها

\* لازم به یادآوری است که در این جا گفتمان بیشتر به شیوه نگرش مسئولان در برهه‌های مختلف نظام توجه دارد و محصول آن، در عمل و کردار دولت ج.ا.ا. پدیدار بوده است. به عبارت دیگر باید توجه کرد که ساختار قدرت در ایران همانند اکثر کشورهای در حال توسعه به صورت هرمی ترسیم شده است. این ساختار مستلزم آن است که دولت و نخبگان سیاسی آن همیشه سازنده اصلی تصمیمات و استراتژیهای مختلف نظام باشند. بنابراین باید از این جهت، این مفهوم از گفتمان را با مفهوم رایج آن در غرب مجزا دانست. مفهوم گفتمان در غرب بیشتر تأکید بر آراء و عقاید متفاوتی دارد که مردم و احزاب سیاسی نقش تعیین کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند.

- ۱- این تقسیم‌بندی اولین بار به وسیله آقای سعید حجاریان و همچنین دکتر محمدرضا تاجیک در سمینار " توسعه و امنیت عمومی " (دانشگاه تهران - اسفند ۱۳۷۵) عنوان شد.
- ۲- برای مطالعه کامل این بحث رجوع شود به بخش اول مقاله زیر: حسین سیف زاده، «چالش‌های داخلی صلح و سازندگی در تاجیکستان: بیمها و امیدها» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره ۱۸، (تابستان ۱۳۷۶)، صص ۱۲۰-۱۰۷.
- ۳- مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۳.
- ۴- م. محمدی، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه، بی‌جا، ناشر مؤلف، ۱۳۷۴، ص ۲۳۵.
- ۵- مجتبی سلطانی، خط سازش، جلد اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳.
- ۶- م. محمدی، پیشین، ص ۲۴۱.
- ۷- مهدی بازرگان، پیشین، ص ۹۳.
- ۸- مجتبی سلطانی، پیشین، ص ۲۴۴.
- ۹- م. محمدی، پیشین، ص ۲۳۵، به نقل از: ویلیام سولیان، مأموریت در ایران، ۱۳۶۱، ص ۱۸۹.

- ۱۰- م. محمدی، پیشین، ص ۲۲۷، (پاورقی).
- ۱۱- علی اکبر ولایتی، مقدمه مجله سیاست خارجی، سال اول، دی و اسفند ۱۳۶۵ صص ۵ - ۴.
- ۱۲- سعید برزین، جناح بندی سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، ایران فردا، سال سوم شماره ۱۷، اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۳۹.
- ۱۳- محمدجواد لاریجانی، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹، ص ۲۰.
- ۱۴- همان، ص ۴۹.
- ۱۵- همان، ص ۴۰.
- ۱۶- همان، ص ۶۷.
- ۱۷- تدرایت گر، «جنگ انقلاب و تکوین دولت اجبار آفرین»، ترجمه معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک، مجله راهبرد، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۵، ص ۱۵.
- ۱۸- «ارتش از هم پاشیده شده و از نو متولد شده ایران در سال ۱۹۸۲»، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ترجمه گروه تحقیق، ۲۰ اسفند ۱۳۶۳.
- ۱۹- محمدابراهیم سنجقی، طرح پیشنهادی الگوی استراتژی جمهوری اسلامی ایران، (رساله دکتری - دانشگاه تهران)، ۱۳۷۰ ص ۱۳۵.
- ۲۰- حسنعلی عبادی، «نگاهی به شکوفایی ارزشها و فرهنگ بسیجی»، مجله بسیج، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۳، صص ۱۶۴ - ۱۴۱.
- ۲۱- به نقل از گزارش دیدگاههای رئیس جمهور (هاشمی)، تهیه شده به وسیله معاونت سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۲۲- عدنان مزارعی، «اقتصاد ایران بعد از انقلاب: از هم گسیختگی و پوپولیسم»، ترجمه پرویز صداقت، مجله فرهنگ توسعه، سال ششم، شماره ۲۶، فروردین ۱۳۷۶، صص ۳۷-۳۱.
- 23- **Civil Society in The Middle East**, Edited by Augustus Richard Norton, Volume One, New York, 1988, p.35.
- ۲۴- سازمان برنامه و بودجه، گزارش نهایی برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی، دفتر اقتصاد کلان، ۱۳۶۹.
- ۲۵- خطبه نماز جمعه، ۱۸ مرداد ۱۳۷۰.
- ۲۶- سازمان برنامه و بودجه، نظام طرح ریزی استراتژیکی، برنامه ریزی و بودجه بندی دفاعی، ۱۳۶۸، ص ۱۳.
- 27- Anttohony H. Cordesman, **Iraq Threat From The Northern Gulf**, Oxford, West View Press, 1995, p.23.
- ۲۸- محمود واعظی در میزگرد «تحولات جدید منطقه ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی

- ایران»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵، ص ۹۴۵.
- ۲۹- آلبرت رایسنر، «بین خلیج فارس و آسیای مرکزی؛ جهت‌گیریهای جدید سیاست خارجی ایران در منطقه»، ترجمه احمد لواسانی، ماهنامه دیدگاهها و تحلیلها، سال هشتم، شماره ۸۴، آبان ۱۳۷۳، ص ۷۶.
- ۳۰- به نقل از گزارش دیدگاههای اقتصادی رئیس‌جمهور (هاشمی)، پیشین، خبر روز ۶/۶/۱۳۶۹.
- ۳۱- همان (خبر روز ۷/۷/۱۳۶۹).
- ۳۲- همان.
- ۳۱- همان، (خبر روز ۱/۸/۱۳۶۸).
- ۳۲- همان، (خبر روز ۱۱/۲/۱۳۶۹).

